

تاب تاب، شهربازی

سرور میرحسینی

گزارش



همین چند روز پیش بود که با اصرار یک کودک برای رفتن به شهربازی و انکار مادرش در توضیح این موضوع که شهربازی بسته است، روبرو شدم و اشک‌های آن کودک آتشی شد بر دلم. کودکانی که در این شهر ثروتمند از حداقل‌ترین تفریگاه‌ها و وسایل بازی محروم‌اند.

یک سری به شهربازی بزنید که می‌توان از شرایطش به عنوان صحنه‌های یک شهر جنگ زده در فیلم‌های سینمایی بهره برد!

شرایط پارک‌ها نیز بهتر از این نیست. سرسره‌های آفتاب‌سوخته و شکسته و تاب‌های یک درمیان زنجیر پاره کرده و درختان زرد کرده و تشنه! شهردار سیرجان رسیدگی به این شرایط را اولویت اول و دوم خودش نمی‌داند. در حالی که در این شرایط جولان حفاری‌ها برای اجرای طرح فاضلاب، آسفالت خیابان‌های شهر هم تا اطلاع ثانوی نمی‌تواند اولویت شهرداری سیرجان باشد.

کما اینکه اگر اولویت شهرداری رسیدگی به فضای سبز نیست، پس اولویتش چیست؟

آن هم در این تابستان گرم که بیم نابودی فضای سبز از تشنگی می‌رود. فضای سبزی که همیشه بالا بودن سرانه‌ی آن نسبت به دیگر شهرها یکی از مزیت‌های سیرجان عنوان می‌شد و شورا و شهرداری روی آن مانور می‌داد.

شهردار جدید نیز در ابتدای کارش به عنوان یک شهردار سبز و در ردای کسی که دغدغه‌ی زیست‌محیطی دارد وارد گود شد. در آغاز بسیار هم منتقد مسئولان پیشین فضای سبز سیرجان بود و به طور علنی در شورای شهر عملکرد آن‌ها را غیرقابل دفاع می‌خواند.

اما حالا با گذشت ۹ ماه از آغاز کار خود کریمی‌پور، آیا عملکرد خود وی و مدیر میانی‌ئی که برای سازمان فضای سبز انتخاب کرده، در این باره قابل دفاع است؟

مهدی‌پور مدیر کنونی سازمان فضای سبز فقط سعی دارد رسانه‌ها را توجیه کند که شرایط به خاطر عملکرد گذشته و کمبود بودجه‌ی در زمان حال، همین‌ست که هست!

توجیه شهردار سیرجان برای جلوگیری از راه‌اندازی مجدد شهربازی، کهنه و قدیمی و غیراستاندارد بودن این وسایل است. وعده‌ی راه‌اندازی شهربازی‌ئی در جاده‌ی کرمان هم می‌دهند. اما وقتی کهنگی و فرسودگی وسایل بازی پارک‌ها را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که شهرداری حتماً نمی‌تواند یا نمی‌خواهد چهارتا تاب و سرسره‌ی نو در پارک‌های محله‌ای نصب کند، آن وقت از بیخ و بن می‌آید شهربازی می‌سازد؟

این وعده‌ی سر خرمن جز این است که صدای

اعتراض مردم را یواش کنند. مردمی که نمی‌دانند بچه‌هایشان را برای تفریح کجا ببرند. شهربازی دست کمش این بود که برای این تابستان می‌توانست با ورود سریع‌السییر بخش خصوصی و خرید و نصب چند دستگاه استاندارد بازی موقتا راه بیفتد. اما شهرداری از بار این مسئولیت شانه خالی کرده و سنگ بزرگی به نام شهربازی جدید را برداشته است. سنگ بزرگ هم که علامت نزدن است. وقتی پارک‌هایی وجود دارند که سه سال است سرسره‌های شکسته‌شان تعویض نشده و بچه‌ها به بالای پلکان که می‌رسند با بن‌بست میله‌های جوشکاری شده توسط سازمان مهربان پارک‌ها روبرو می‌شوند، شهرداری با چه رویی از استاندارد نبودن وسایل بازی در شهربازی دم می‌زند و در این شرایط اقتصادی وخیم چوب لای چرخ معیشت بخش خصوصی می‌کند که سابقاً هزینه‌ای کرده و این وسایل را نصب کرده‌اند تا کسب درآمدی کنند اما با انواع تعطیلی‌های

تحمیلی و اجباری در چند سال اخیر روبرو گشته‌اند!

اما همین شهرداری که برای بخش خصوصی در شهربازی خرده‌گیر شده، نوبت به وسایل بازی خودش در پارک‌ها که می‌رسد، لکچر باز می‌شود و در عمل اجازه می‌دهد سرسره‌های شکسته و تاب‌های پاره جان بچه‌ها را به خطر بیندازند و سرسره‌ها پاتوق معتادان کارت‌ون‌خواب بشوند و بهداشت و سلامت کودکان نیز به خطر بیفتند. حتی یک رایزنی کوچک با بهزیستی و نیروی انتظامی نمی‌کنند که دست کم پارک‌ها برای بازی کودکان ایمن باشند. شهربازی جدید ساختن پیشکش.

